

## پیشگفتار

انسان حیوانی است اجتماعی و این تنها بدان معنا نیست که به زیستن با هموعان خود نیاز دارد. گام نهادن انسان در زندگی اجتماعی بستر لازم برای ظهور و شکوفایی بسیاری از دیگر ویژگیها و استعدادهای بالقوه را برای وی فراهم می‌آورد و از او موجودی می‌سازد که از بسیاری جهات از دیگر موجودات زنده متمایز می‌گردد. یکی از اساسی‌ترین و آشکارترین وجوه تمایز انسان از دیگر جانداران، ناطق بودن اوست. انسان به وسیله زبان با هموعان ارتباط برقرار می‌کند و به مبادله معانی و مفاهیم می‌پردازد؛ بنابراین می‌توان گفت که زبان پدیده‌ای اجتماعی است، زیرا دستاورد اجتماعی زیستن انسانهاست. انسانهایی که از روی تصادف از حلقه ارتباط با هموعان جدا افتاده و بیرون از روابط اجتماعی زندگی کرده‌اند فاقد زبان بوده و از توانایی سخن گفتن و برقرار کردن ارتباط کلامی با دیگران بی‌بهره مانده‌اند.

زبان مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، همگام با رشد و تحول جامعه، متحول می‌گردد و رشد می‌کند. در مراحل نخستین زندگی اجتماعی انسانها، زبان بسیار ساده و کم‌واژگان است اما به تدریج و همراه با تحول و گسترش ابعاد جوامع، زبان نیز به عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای این نوع زندگی رشد می‌کند و بر تعداد واژگان و بر توانایی آن در برقراری ارتباط و مبادله مفاهیم افزوده می‌گردد. رشد زبان و افزایش واژگان آن همراه با رشد و تحول جامعه را می‌توان با رشد زبان کودک و افزایش محتوای واژگانی آن همگام با رشد و گذار او از کودکی به جوانی، نوجوانی و بلوغ همانند دانست.

انسان علاوه بر اینکه ناطق و اجتماعی است از حس زیبایی‌شناسی توانمند و سازنده‌ای نیز برخوردار است و آن را در بسیاری از امور و جنبه‌های گوناگون زندگی خویش به کار می‌گیرد. در خانه‌سازی، ابزارسازی، تهیه خوراک و پوشاک تنها جنبه‌های کارکردی مورد توجه نیست بلکه در همه این امور نوعی فعالیت زیبایی‌شناسانه نیز صورت می‌گیرد که به پدید آمدن هنر می‌انجامد: هنر معماری، هنر نقاشی، هنر آشپزی، هنر خیاطی، هنر موسیقی و ... . زبان نیز به عنوان ابزار برقراری ارتباط از این قاعده برکنار نیست.

زبان، همگام با تحول جوامع اندک اندک از حالت ابزار ساده‌ای که کارکرد آن تنها برقراری ارتباط و تبادل مفاهیم است فراتر رفته، به صورت ماده اولیه‌ای درمی‌آید که محمل کارهای زیبایی‌شناسانه واقع می‌گردد. انسانهایی با ساخت ذهنهای خاص، ترکیب کلمات سخن خود را از حالت ساده آغازین بیرون آورده و فعالیت‌هایی زیبایی‌شناسانه در آن انجام می‌دهند و بدین ترتیب گامهای نخست در راه پدید آمدن ادبیات در معنای رایج امروزی آن برداشته می‌شود.

درست است که ادبیات نتیجه فعالیت‌های زیبایی‌شناسانه بر زبان است و با تصویرسازی و خیال‌پردازی خالقان آن همراه می‌باشد اما از شرایط اجتماعی حاکم بر محیط نیز رنگ می‌پذیرد. آثار ادبی همانند دیگر آثار هنری بازتاب‌دهنده محیطی اند که در آن خلق می‌شوند و تعهد شاعر، نویسنده یا هنرمند هر اندازه بیشتر باشد بازتاب شرایط محیط در آنها گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌گردد. نتیجه آنکه، با مطالعه و بررسی این گونه آثار می‌توان به فضای اجتماعی-سیاسی زمان و مکان خلق آنها پی برد.

رواج و اوج‌گیری خلق آثار حماسی در دوران استقرار نخستین خاندانهای حکومتگر ایرانی (طاهریان، صفاریان و سامانیان) که به نظم شاهنامه حکیم فردوسی طوسی می‌انجامد، نقدهای اجتماعی طنزآمیز خواجه حافظ شیرازی و عبید زاکانی، پدید آمدن اشعار سبکهای هندی و وقوعی در عصر صفوی یا ادبیات اجتماعی-سیاسی عصر مشروطیت بازتاب مستقیم اوضاع و احوال و فضای اجتماعی دوره‌های یاد شده

و یادآور ارتباطی هستند که میان جامعه و ادبیات وجود دارد. پدید آمدن و گسترش احساسات آزادی خواهی و استقلال طلبی در برابر فشارها و رفتارهای تحقیر آمیز خلفا و کارگزاران آنان در حق ایرانیان به بیدار شدن احساسات ملی ایرانیان می انجامد که می کوشند گذشته تاریخی و فرهنگ و زبان خود را هر چه بیشتر و بهتر بازسازی نمایند و با یادآوری افتخارات، پهلوانیها و پیروزیهای ایرانیان در ادوار پیشین، آنان را در جهت بازیابی آزادی و استقلال از دست رفته خود تشویق و تحریک کنند. شیراز عصر حافظ و عبید بن شاه ابواسحق، امیر مبارزالدین و شاه شجاع دست به دست می گردد و دوره هایی از رهایی و گشایش، کنترل و نظارت شدید اجتماعی و پسامدهای گوناگون آن و باز رهایی و آزادی نسبی را تجربه می کند. بخشی قابل ملاحظه از سروده ها و نوشته های این دو چهره برجسته ادبیات آن عصر و همه اعصار، بازتاب همین شرایط است و اگر از سالوس و تزویر و ریا و رواج آن در میان صاحبان برخی از نقشها با طنزی گزنده گفتگو می کنند واقعیتی را بیان می دارند که پسامد مستقیم و اجتناب ناپذیر اوضاع اجتماعی-سیاسی حاکم بر شیراز عصر زمامداری امیر مبارزالدین و بگیر و ببندهای ریاکارانه اوست.

برافتادن حالت ملوک الطوائفی در ایران و شکل گیری دولت متمرکز ملی در عصر صفوی و پدید آمدن امنیت و رفاه نسبی که پسامد این وضع بود نیز بر ادبیات و هنر آن دوره اثری تعیین کننده داشت. دگرگونی در ساخت جامعه و شکل گیری و گسترش طبقه متوسط که برای نخستین بار از اهمیتی چشمگیر برخوردار می گشت و از رفاهی فزاینده و اوقات فراغتی بی سابقه بهره مند بود سبکهایی را در ادبیات ما پدید آورد که پاسخگوی نیازهای این دو ویژگی اجتماعی بود. ویژگیهای اشعار سبکهای هندی و وقوعی را می توان به ترتیب با پیدایش و گسترش اوقات فراغت و پدید آمدن طبقه متوسط و برخورداری آن از رفاهی مناسب، کم و بیش در ارتباط دانست.

ادبیات مشروطه نیز با ویژگیهای جامعه شناختی عصر خویش در ارتباط است. راه یافتن افکار و عقاید نوین به ایران، تغییر نگرش مردم نسبت به نظام سلطنتی

خودکامه و آغاز جنبشهای مردمی در جهت براندازی آن، صاحبان طبع و قلم را از مراکز قدرت دور ساخته در کنار مردم قرار داد و این وضع، ادبیات بازگشتی عصر قاجار را که از زمان خود بریده و به مسائل آن نگاهی نداشت به اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی متوجه ساخت و بدین ترتیب بازکنشی متقابل میان جامعه و ادبیات برقرار گشت.

کنش متقابل ادبیات و جامعه و تأثیرگذاری این دو بر یکدیگر، ادبیات متعهد را به صورت آینه‌ای درمی‌آورد که اوضاع و احوال اجتماعی در آن بازتاب می‌یابد. این بازتاب به هر میزان و اندازه باشد ادبیات را به صورت منبعی درمی‌آورد که از تصاویر و آگاهیهای ارزنده برای بررسیهای جامعه‌شناختی سرشار است. به‌ویژه در ادبیات انتقادی، هنگامی که از روی نوعی الزام و اجبار زبان طنز را به کار می‌گیرد و به اشاره و کنایه دشواریها و نارساییها را مطرح می‌سازد مطالبی را بیان می‌دارد که در تاریخ‌نگاری رسمی و متعارف درباری بازتابی نمی‌یابد و اگر ادبیات پادرمیانی نکند از حافظه‌ها محو می‌گردد.

نتیجه آنکه، ادبیات کارکرد بیان و حفظ آن بخش از اوضاع و احوال اجتماعی را به عهده دارد که تاریخ‌نگاران نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به ثبت و ضبط آن پردازند. به همین دلیل است که ادبیات هر جامعه‌ای می‌تواند همچون بستری مناسب برای مطالعات جامعه‌شناختی به کار آید و اطلاعاتی ارزنده را دربارهٔ اوضاع و شرایط اجتماعی دوره‌های مختلف حیات آن جامعه، در اختیار بگذارد. مطالعه و بررسی در این بستر و جستجوی بازتابهای زندگی اجتماعی مردم در آن، همان چیزی است که جامعه‌شناسی در ادبیات خوانده می‌شود.

عنوان کتابی که پیش روی دارید جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی است. در ادبیات فارسی بازتابهای گسترده از اوضاع و احوال اجتماعی ایران در ادوار مختلف تاریخی به چشم می‌خورد. بررسی همهٔ آثار ادبی فارسی، با توجه به گستردگی چشمگیر آن، و رعایت محدودیت کمی که با توجه به کاربرد این کتاب در تدریس درسی با همین عنوان برای آن در نظر گرفته شده بود، مقدور نبود. بنابراین از

نویسندگان و سرایندگان هر دوره سرآمدان و به‌ویژه کسانی برگزیده شدند که تعهد اجتماعی بیشتری داشته‌اند و اوضاع و احوال اجتماعی با روشنی بیشتری در آثار آنان بازتاب یافته است. برای شناسایی گوشه‌هایی از شرایط و ویژگیهای اجتماعی و به منظور بهتر نشان دادن ارتباط ادبیات و جامعه از منابع گوناگون تاریخی استفاده شده است، زیرا این کار میزان اطمینان به آثار ادبی را به عنوان منابعی ارزنده برای مطالعات جامعه‌شناختی افزایش می‌دهد.

محدودیتی که برای تعداد صفحات کتاب در نظر گرفته شده بود و حجم و تعداد بسیار زیاد آثار ادبی فارسی در ادوار مختلف، نویسنده را بر آن داشت که ادبیات پس از انقلاب مشروطیت را فعلاً در چهارچوب این کتاب قرار ندهد. بدین ترتیب در این کتاب کار بررسی و مطالعه، پس از ارائه کلیاتی درباره ادبیات و دیدگاههای گوناگون در پیرامون آن و توضیحاتی درباره برخی از مفاهیم، از پدید آمدن نخستین آثار ادبی فارسی پس از اسلام آغاز شده با ادبیات عصر انقلاب مشروطیت و برخی چهره‌های ادبی سرشناس آن، که با جریان انقلاب به گونه‌ای مستقیم همراهی داشته‌اند، به پایان می‌رسد. ادبیات پس از انقلاب مشروطیت تا عصر حاضر، به‌ویژه با توجه به پاره‌ای تفاوتها و تمایزات آن با ادبیات پیشین و پدید آمدن برخی انواع نوین ادبی، می‌تواند موضوع کتابی جداگانه باشد که نویسنده امیدوار است بتواند به عنوان جلد دوم یا مکملی بر کتاب حاضر در راه تألیف آن نیز گامی بردارد.

خیال حوصله بحر می‌پزد هیهات      چه‌است در سر این قطره محال‌اندیش

فریدون وحیدا